



تأثیر رسانه ای شدن جرم بر قرارداهای تامین کیفری و تعیین مجازات

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۲/۱۵)

مصطفی چقازردی

چکیده

یکی از مهمترین تصمیماتی که در پرونده کیفری گرفته می شود قرار تامین کیفری است که نسبت به متهم اعمال می شود. انتخاب نوع قرار تامین نیز به قاضی پرونده واگذار شده است که باید با رعایت تناسب بین قرار و اوضاع پرونده مانند وضعیت تحقیقات مقدماتی و دسترسی به متهمان و دلایل ارتکاب جرم یکی از انواع قرارداهای تامین برای متهم انتخاب شود. اما بررسی های انجام شده نشان می دهد که بازنمایی رسانه ای جرایم می تواند بر نوع قرار تامین تأثیرگذار باشد. مرحله تعیین و اجرای مجازات در پرونده های کیفری با توجه به اینکه نتایج رسیدگی را در افکار عمومی با مجازات می سنجد، دارای اهمیت خاصی است. در مرحله قانون گذاری به عنوان، نخستین قسمت از سیاست جنایی این تأثیر پذیری در غالب تصویب قوانین و پیش بینی مجازات ها مطابق با خواسته های مردم نمود پیدا می کند و این مصوبه ها با سرعت زیاد در دستور کار دستگاه قانونگذاری قرار گرفته و با توجه به گرایش شدید افکار عمومی به سزاگرایی، دارای درجه بالای خصوصیت های تنبیهی مجازات هستند که تداوم این امر به کیفر گرایی در دستگاه قانونگذاری منجر خواهد شد. تأثیر رسانه ای شده جرم بر مرحله اعمال مجازات در پاسخ به افکار عمومی به صورت اعمال نمایشی و در ملاء عام مجازات و استفاده نکردن از تدابیر جایگزین که دارای پشتوانه کارشناسی هستند نمود پیدا می کند.

واژگان کلیدی: جرایم و مجازات ها، تلویزیون و رسانه، فردی کردن مجازات، قرار

تامین



بخش اول: تاثیر رسانه ای شدن جرم بر قرارداهای تامین کیفری

از جمله تصمیمات مقامات قضایی در پرونده کیفری صدور قرار تامین کیفری است. ماده ۱۳۲ ق.ا.د.ک. قاضی را مکلف نموده است که به منظور دسترسی و حضور به موقع وی پس از تفهیم اتهام به متهم یکی از قرارداهای تامین کیفری را صادر کند. قرارداهای تامین کیفری پنج نوع هستند که خفیف ترین آن‌ها التزام به حضور با قول شرف و شدید ترین آن‌ها بازداشت موقت است. در صدر این ماده قانونگذار انتخاب هریک از این قرارها را در اختیار قاضی صادر کننده قرار گذاشته است. اما این اختیار نامحدود نبوده و قاضی ملزم به رعایت اصل تناسب در صدور قرار تامین است.^۱ به این ترتیب قرارداهای پیش بینی شده در ماده ۱۳۲ دارای درجات مختلفی از محدودیت برای متهم است و به ترتیب شدت پیش بینی شده است و در خصوص هر پرونده قاضی باید قرار متناسب با آن را انتخاب کند. لزوم رعایت تناسب در ماده ۱۳۴ ق.ا.د.ک. به این ترتیب پیش بینی شده که ((قرار تامین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد)). اما در این بین باید جایگاهی نیز برای رسانه ها در عوامل موثر در انتخاب نوع قرار تامین در نظر گرفت. رسانه ای شدن یک جرم و پرداختن رسانه های خبری به آن ممکن است موجب انحراف در جریان تحقیقات آن جرم و یا افزایش آثار و اهمیت جرم در جامعه شده و زمینه صدور قرار تامین کیفری شدیدتر را فراهم کند.

بند اول: اهمیت جرم و وضعیت مرحله تحقیقات

میزان اهمیت جرایم در جامعه مهمترین معیار در تعیین نوع و نحوه واکنش دستگاه عدالت کیفری است. این امر در تعیین محدوده اقدامات قضات دادرسی و دادگاه نیز نقش تعیین کننده ای دارد و این مقامات در استفاده از اختیاراتی که قانونگذار به آن‌ها داده، از جمله صدور قرار تامین کیفری اهمیت جرایم را مورد توجه قرار می دهند. بدیهی است جرایم با اهمیت تر



واکنش‌های تند تر و سختگیرانه تری را نیز در پی خواهند داشت. بازتاب رسانه ای جرایم و تاثیر این امر بر افکار عمومی موجب می شود که با افزایش دامنه تاثیر جرایم اهمیت آن نیز افزایش پیدا کند و اقدامات شدیدتر دستگاه قضایی توجیه گردد.

وضعیت مرحله تحقیقاتی پرونده ها نیز نقش قابل توجهی در انتخاب نوع قرار تامین کیفری دارد. شرایطی مانند دسترسی به شرکا و معاونین جرم و دلایل در مرحله تحقیقاتی با توجه به تاثیر زیاد در موفقیت مقامات دادسرا نقش قابل توجهی در انتخاب قرار تامین دارند، تا جایی که حتی صدور قرار بازداشت را نسبت به متهمین توجیه می کنند. در این مبحث تلاش شده تا نقش رسانه ای شدن جرایم در تعیین نوع قرار تامین کیفری مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.

بند دوم: اهمیت جرم

یکی از معیارهایی که باید از طرف قاضی صادر کننده قرار مورد توجه قرار گیرد اهمیت جرم ارتكابی است. با این وجود قانونگذار از جرم مهم تعریفی ارائه نداده است و برای تشخیص میزان اهمیت جرم باید معیارهایی مانند تاثیر آن در جامعه، خطرناک بودن آن، شدت مجازاتی که برای آن معین شده، وسعت تاثیر آن در زمان و مکان بررسی شود و جرایمی که سهم بیشتری از این عوامل را دارند، با اهمیت تر از سایر جرایم هستند. بازتاب جرم در رسانه ها در تحقق این معیارها تاثیر قابل توجهی دارد. خبرنگاران در گزارش های خود تمایل زیادی به با اهمیت نشان دادن جرم دارند حتا در برخی مواقع به منظور اهمیت دادن به گزارش خود متهم هستند به اینکه مهم و غیر مهم را به هم در می آمیزند.^۲ اهمیت دادن به جرایم توسط رسانه ها خصوصا به دلیل تاثیر میزان اهمیت خبر در افزایش ارزش خبری آن و در نتیجه جذب بیشتر مخاطب است. رسانه ها با بازتاب اخبار مربوط به ارتكاب جرم و با دامن زدن به جزئیات آن، جرم ارتكابی را بیش از میزان واقعی نمایان می کنند. در این راستا خبرنگاران با اشاره به ارزش های اجتماعی که در پی جرم نقض شده اند و استفاده از تکنیک

- مدنی، سید جلال الدین - آیین دادرسی کیفری - ص ۲۴۲

^۲ - سون ویندال، بنوسیگناتیزا، جین اولسون - کاربرد نظریه ها در ارتباطات - ترجمه دکتر علیرضا دهقان - ص ۲۶۴



های خاص خبری بر اهمیت موضوع خبر می‌افزایند. خبرنگاران با استفاده از روش‌های خاص برجسته‌سازی مانند مصاحبه با ساکنین مناطقی که جرم در آن واقع شده و قربانیان جرایم موجب افزایش تاثیر جرم در جامعه می‌شوند. بی‌شک نحوه بازنمایی جرم در رسانه‌ها موجب می‌گردد که تبعات آن مثل ناامنی و ایجاد خطر در جامعه افزایش پیدا کند. استفاده از القاب دلهره‌آور برای متهمین مانند خفاش شب، عقرب سیاه، کرکس پیر، وسیع نشان دادن دامنه وقوع جرم مانند بانندی معرفی کردن ارتکاب این جرایم و زیاد نشان دادن تعداد قربانیان از روش‌هایی است که به شدت میزان خطر و ناامنی جرم را در جامعه افزایش می‌دهد. علاوه بر این با توجه به سطح پوشش رسانه‌ها، اخباری که مربوط به یک جرم است در سایر مناطقی که جرم در آن واقع نشده است نیز تاثیر می‌گذارد و دامنه تاثیر جرم را افزایش می‌دهد. از طرفی نیز با توجه به اینکه قاضی در مقام صدور قرار تامین اهمیت جرم ارتكابی را مورد نظر قرار می‌دهد و هرچه میزان اهمیت جرم ارتكابی بیشتر باشد متهم آن با قرار تامینی شدیدتری رو به رو می‌شود و بازنمایی رسانه‌ای جرم نیز موجب می‌گردد که اهمیت جرم ارتكابی بیشتر نشان داده شود، ارتباط بین بازنمایی رسانه‌ای جرم و قرار تامین شدیدتر آشکار می‌شود.

بند سوم: وضعیت مرحله تحقیقات

یکی از نکاتی که در انتخاب نوع قرار تامین مورد توجه قاضی قرار می‌گیرد وضعیت روند تحقیقات در پرونده است. قانونگذار در بند د. ماده ۳۲ ق. ا. د. ک. یکی از مواردی که می‌تواند منجر به صدور قرار بازداشت موقت توسط قاضی گردد را مواردی دانسته که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتی آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند، همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود نیز اجازه صدور قرار بازداشت موقت با قاضی داده شده است. به این ترتیب به خطر افتادن جریان تحقیقات موجب می‌گردد که مجوز قانونی لازم به منظور صدور شدیدترین نوع قرار تامین



که بازداشت موقت است در اختیار قاضی قرار گیرد. به همین دلیل است که سری بودن یکی از ویژگی‌های مرحله تحقیقاتی در دادسرا پیش‌بینی شده است و تبصره ماده ۱۸۸ ق.ا.د.ک. نیز فقط اجازه حضور رسانه‌ها در جلسات دادگاه و تهیه گزارش از آن را داده است.

در مصاحبه‌ای نیز که با قضات در این تحقیق انجام شده تنها تمامی آن‌ها با تهیه گزارش و ارائه اطلاعات پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی مخالف بودند، بلکه بعضی از آن‌ها با اجازه تهیه گزارش در دادگاه به خبرنگاران نیز مخالف بودند. دلیل این امر هم این بود که رسانه‌ها با بازتاب اخبار مربوط به جرایم ممکن است مرحله تحقیقات مقدماتی را با مشکل رو به رو کنند. اما رویه دستگاه قضایی در جرایمی که جنبه رسانه‌ای پیدا می‌کنند خلاف این نظرات را نشان می‌دهند. نمونه از این جرایم رسانه‌ای شده می‌توان پرونده فساد مالی اخیر که شرکتی خصوصی و دستگاه‌های دولتی در آن نقش داشتند اشاره کرد. در این پرونده سخنگوی قوه قضاییه در جلسات منظم و دوره‌ای خود جریان تحقیقات این پرونده را برای رسانه‌ها بازگو می‌نمود. این پرونده به دلیل زیاد بودن مبلغ اعلامی و نیز دخالت دستگاه‌های دولتی که در نهایت منجر به سیاسی شدن بازتاب آن شد توجه افکار عمومی را به خود جلب نمود و از همان ابتدا شایبه تحت نفوذ قرار گرفتن دستگاه قضایی مطرح شد. در نتیجه دستگاه قضایی نیز در جهت جلب اعتماد افکار عمومی اخبار مربوط به این پرونده را در مراحل مقدماتی و تحقیقات در اختیار رسانه‌ها قرار داد. در طرف مقابل نیز مقامات قضایی به منظور جلوگیری از تأثیرات منفی این بازتابی در رسانه‌ها ممکن است اقدامات مختلفی را انجام دهند. یکی از اختیاراتی که ممکن است در این جهت مورد استفاده قرار گیرد اختیار انتخاب نوع قرار تامین کیفری و تشخیص متناسب بودن یا نبودن نوع خاصی از قرار برای پرونده رسانه‌ای شده است.

به این ترتیب که یکی از مواقعی که بازتاب جرم در رسانه می‌تواند به تشدید قرار تامین متهم منجر شود امکان امحاء آثار جرم توسط متهم یا همدستانش و یا متواری شدن شرکا و یا معاونین جرم است. همزمان با بازتاب ارتکاب جرم در رسانه و اطلاع عموم از کشف آن،



شرکا و معاونین جرم و کلیه کسانی که با جرم مورد نظر در ارتباط هستند نیز از کشف جرم مطلع می‌گردند و بدیهی است که هرگونه اقدامی را برای عدم امکان دستگیری و مجازات خود انجام خواهند داد. در چنین مواقعی مقامات قضایی از کلیه امکانات و اختیارات خود در جهت جلو گیری از ایجاد وقفه در امر رسیدگی و از جمله صدور قرار بازداشت موقت استفاده کرده تا با ایجاد مانع بین متهم و همدستان وی امکان متواری شدن آنها و یا از بین بردی آثار و دلایل جرم را به حداقل برسانند. این تدبیر به ویژه در خصوص جرایم سازمان یافته قابل اتخاذ است. با توجه به اینکه در این جرایم افراد متعدد با یکدیگر در همکاری هستند، دلایل و مدارک ارتکاب جرم نیز بین این اشخاص پراکنده است که این امر استفاده از قرار بازداشت موقت در این جرایم را محتمل تر می‌کند. نمونه ای از استفاده از این اختیار در پرونده فساد مالی اخیر قابل مشاهده است. در اظهارات سخنگوی قوه قضاییه که در پایگاه خبری کیهان^۱ بازتاب داشته تعداد متهمان این پرونده تا آن زمان ۸۲ نفر اعلام شده است که در ابتدا ۴۸ نفر آنان با قرار بازداشت موقت رو به رو شده اند که از این تعداد تنها ۲۳ نفر در بازداشت باقی مانده اند و بقیه با قرار متناسب آزاد شده اند. این مقام قضایی دلیل بازداشت های گسترده را وجود اسناد و مدارک در نقاط مختلف و متهمین متعدد دانسته و بازداشت موقت را نیز تنها راه جلو گیری از امحاء آثار و دلایل جرم و تبانی متهمین بیان نموده است. به این ترتیب رسانه ای شدن این پرونده موجب شده که مرحله تحقیقات از حالت سری خود تا حدودی خارج شود و در راستای جلو گیری از اثرات نامطلوب آن قرارهای بازداشت های موقت در حد وسیعی بازتاب به کار گرفته شده است.

بند چهارم: پاسخ به افکار عمومی

گاهی نیز متهم در پرونده های رسانه ای شده با قرارهای تامین شدید تری روبه رو می شود در حالی که توجیه فنی و علمی نداشته و تنها در پاسخ به افکار عمومی و به منظور نوعی آرامش موقتی بخشیدن به افکار عمومی انجام می گیرد. صدور قرار های تامین شدید کیفری

^۱ - Www.Kayhannews.ir- 1390/8/18



در این صورت نسبت به متهمینی مشاهده می‌شود که بازنمایی رسانه ای ارتکاب جرم آنان به شدت افکار عمومی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و مقصر حادثه نشان داده می‌شوند. این برداشت توسط افکار عمومی به ویژه زمانی تاثیر بیشتری دارد که در بازنمایی رسانه ای جنبه های فنی و تحلیل کارشناسی وقوع جرم مورد اشاره واقع نمی‌شود و واقعه به نوعی بازتاب داده می‌شود که این اشخاص در عین مسبب اصلی بودن از تعقیب و مجازات دستگاه قضایی رهایی می‌یابند. نمونه بارز این امر متهم ردیف دوم حادثه قتل میدان کاج سعادت آباد تهران است. در حالی که این متهم به دو اتهام معاونت در قتل عمدی و رابطه نامشروع تحت تعقیب قرار گرفته بود، با قرار بازداشت موقت روبه رو شده بود.

در پرونده هایی که به عنوان جامعه نمونه آماری تحت بررسی قرار گرفت، دو مورد دارای معاون در قتل بودند. در این پرونده ها در ابتدا متهم به معاونت در قتل با قرار بازداشت موقت روبه رو می‌شد اما قبل از اعلام ختم تحقیقات و پس از احراز معاونت توسط متهم، زمانی که دیگر نیازی به متهم جهت انجام تحقیقات نبود قرار بازداشت موقت وی تخفیف یافته و تبدیل به قرار وثیقه می‌گردید. در خصوص اتهام رابطه نامشروع نیز پنج پرونده مورد بررسی قرار گرفت که در هر سه این پرونده ها قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر می‌شد، اما مبلغ وجه التزام متفاوت بود و از ده میلیون تا بیست میلیون ریال را شامل می‌شد. بنابراین نه در اتهام معاونت در قتل و نه در اتهام رابطه نامشروع صدور قرار بازداشت موقت متناسب نمی‌باشد، مگر اینکه موجباتی مانند بیم از بین بردن دلایل و آثار جرم و یا تبانی مطرح باشد که با توجه به لزوم متناسب بوده با شدت جرم صدور قرار بازداشت موقت را در خصوص اتهام معاونت در قتل توجیه می‌کند. با این وجود در خصوص متهم به معاونت در حادثه میدان کاج سعادت آباد تهران قرار بازداشت موقت صادر شده بود در حالی که هیچ دلیل و یا توجیه فنی برای آن وجود نداشت و این امر را باید متأثر از فشار افکار عمومی و بازتاب اخبار مربوط به این جرم در رسانه ها دانست. بازنمایی اخبار مربوط به این حادثه در پایگاه های مختلف خبری



مانند پایگاه خبری شرق^۱ و ایران^۲ از تیتراژی‌هایی مانند ((یک زن، پشت پرده نزاع خونین مردان عاشق پیشه)) و یا ((مردی که به ارتکاب جنایت با استفاده از چاقو متهم شده است در اعترافش مدعی شد دسیسه یک زن او را به انجام قتل وادار کرد)) استفاده می‌شد که این اقدام موجب شد افکار عمومی این شخص را مقصر اصلی حادثه قلمداد..

در این اخبار با تمرکز بر رابطه موجود بین این متهم و متهم به قتل، و تحلیل‌های مختلف از آن این ارتباط را زمینه ارتکاب جرم نشان می‌دادند و به نوعی این شخص را نیز در وقوع جرم مقصر قلمداد می‌کردند. این اخبار به نحوی بازتاب داده می‌شد که مجرمیت متهم ردیف دوم از نظر افکار عمومی محرز بوده و در اخبار او را به عنوان مسبب اصلی حادثه معرفی می‌کنند و طبیعتاً هرگونه اقدام در جهت تخفیف قرار تامین این متهم از سوی رسانه‌ها به عنوان سهل‌گیری و برخورد ملاطفت‌آمیز برداشت می‌شد و آزادی این شخص می‌توانست بازتاب وسیعی در سطح جامعه داشته باشد. در نتیجه قضات دادگاه نیز همسو با افکار عمومی و در جهت در امان ماندن دستگاه قضایی از اتهامات سهل‌انگاری و مدارا با مجرمین و تحت نفوذ قرار گرفتن قرار تامینی شدیدی برای این متهم انتخاب نموده‌اند.

بخش دوم: تاثیر رسانه‌ای شدن جرم بر تعیین مجازات

یکی از مواردی که در بازنمایی رسانه‌ای جرایم مورد توجه واقع می‌شود مجازات جرایم رسانه‌ای شده است. این قسمت به عنوان نتیجه رسیدگی کیفری جایگاه ویژه‌ای در گزارش‌های رسانه‌ای دارد و مورد ارزیابی و تحلیل گزارشگران قرار می‌گیرد و در افکار عمومی نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است. خبرنگاران در تحلیل‌های خود از مجازات انتخاب شده آن را با معیارها و برداشت‌های خود از مسایل جنایی می‌سنجند. این در حالی است که گزارش‌های خبری فاقد اطلاعات و بینش کافی نسبت به مسایل کیفری هستند. اما با وجود این محدودیت‌ها افکار عمومی نیز متناسب با این گزارش‌ها شکل گرفته و در پرونده‌هایی که جنبه رسانه‌ای

¹ - www.Sharghnewspsper.ir - 1389/8/9

² - www.Iran-newspaper.com - 1389/8/30



پیدا می‌کنند مقامات عدالت کیفری بر دو راهی همراهی با افکار عمومی و ستایش عملکرد آن‌ها توسط رسانه‌ها و یا نادیده گرفتن افکار عمومی و عمل به دیدگاه‌های کارشناسی و مورد انتقاد قرار گرفتن توسط رسانه‌ها قرار می‌گیرند. تحلیل داده‌های به دست آمده در این اثر حاکی از فاصله گرفتن اقدامات دستگاه‌های عدالت کیفری در پرونده‌های رسانه‌ای شده از دیدگاه‌های کارشناسان و همسو بودن این اقدامات با افکار عمومی و فضای رسانه‌ای ایجاد شده دارند. این تاثیر پذیری در دستگاه قانونگذاری به صورت وضع قوانین سریع و تحت تاثیر فضای احساسی و عوامانه رسانه‌ها که با تعیین مجازات‌های شدید همراه است نمود پیدا می‌کند. تاثیر پذیری دستگاه قضایی از افکار عمومی و فضای رسانه‌ای در مرحله تعیین مجازات درارای جنبه‌های مختلفی است. در جرایم رسانه‌ای شده دستگاه قضایی تلاش دارد تا اقدامات خود را با فضای رسانه‌ای و افکار عمومی هماهنگ کند و به همین دلیل در انتخاب مجازات‌ها، بر جنبه‌های از مجازات تاکید می‌کنند که دارای مقبولیت در عامه مردم باشد. با توجه به گرایش مردم به سزاگرایی، مجازات انتخاب شده توسط دادگاه‌ها برای مرتکبین جرایم رسانه‌ای شده عموماً شدید و از نوع مجازات‌هایی هستند که درجه تنبیهی آن‌ها برجسته است. تحقیقات انجام شده حکایت از گرایش به مجازات حبس به عنوان نمونه بارز مجازات تنبیهی در پرونده‌های رسانه‌ای شده دارد. گرایش به سزاگرایی در این پرونده‌ها موجب شده است که اقداماتی که دارای درجه تنبیهی کمتری هستند به حاشیه رانده شده و با وجود داشتن پشتوانه و حمایت دیدگاه‌های کارشناسان در دستور کار دادگاه‌ها قرار نگیرند. استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس که به دلیل دوری کردن از پیامدهای نامطلوب مجازات حبس در دهه‌های اخیر در دستور کار دستگاه قضایی قرار گرفته و نیز مجازات‌های اجتماعی که طبق نظر کارشناسان در افزایش کیفیت مجازات‌های کیفری تاثیر قابل توجهی دارد در پرونده‌های رسانه‌ای شده به دلیل درجه تنبیهی پایین این اقدامات امری نادر و دور از انتظار است. در مرحله اجرای مجازات از اقداماتی که نمایشی و متقاعدکننده افکار عمومی است استقبال قابل توجهی در دهه اخیر شده است. اجرای علنی مجازات‌های اعدام در پرونده‌های رسانه‌ای شده نمونه این اقدامات در سالیان اخیر است.



در این بخش تلاش شده تا تاثیر رسانه ای شدن جرم و افکار عمومی بر تعیین مجازات با مقایسه پرونده های رسانه ای شده و رسانه ای نشده تبیین گردد. بر همین اساس تاثیر این امر را در سه مبحث با عنوانین : تاثیر بر میزان مجازات ، تاثیر بر انتخاب نوع مجازات و تاثیر بر اجرای مجازات بررسی می کنیم.

بند اول : تاثیر رسانه ای شدن جرم بر میزان مجازات

روند رسیدگی پرونده های رسانه ای شده تاثیر قابل توجهی از افکار عمومی می پذیرد . تعیین مجازات نیز به عنوان مرحله نهایی از رسیدگی کیفری از این اصل مستثنا نیست. تعیین مجازات جرایم در یک فرآیند دو مرحله ای انجام می پذیرد و ابتدا در دستگاه قانون گذاری نوع و میزان مجازات تعیین می شود و سپس در دستگاه قضایی و در مرحله رسیدگی کیفری قضات دادگاه ها با استفاده از اختیاراتی که قانون گذار به آن ها اعطا کرده است ، در نهایت میزان مجازات را انتخاب می کنند. تاثیر گذاری رسانه ای شدن جرم بر دو حوزه قانون گذاری و قضایی سیاست جنایی ممکن است با افزایش میزان مجازات در این دو حوزه همراه باشد. و این افزایش مجازات که کیفر گرایی نامیده می شود گاهی مرتبط با قانون گذاری در عرصه ی کیفری به عنوان ماحصل گفتمان سیاسی مطرح می شود و زمانی نیز در ارتباط با قوه قضاییه و قضات مطرح می شود که به کیفر گرایی قضایی معروف است^۱. در این مبحث به طور جداگانه به تاثیر گذاری رسانه ای شدن جرم در میزان مجازات در دستگاه قانون گذاری و قضایی خواهیم پرداخت.

بند دوم: افزایش میزان مجازات در دستگاه قانون گذاری

عرصه ی قانون گذاری سیاست کیفری توسط قوه مقننه اعمال می گردد . اعضای این قوه با مراجعه مستقیم به آرای مردم انتخاب می گردند و نهادی کاملا انتخابی و وابسته به حمایت های مردمی هستند و با توجه به انتخاب مستقیم توسط مردم وابسته ترین قسمت به افکار

^۱ - محمودی خانکی ، فیروز و مرادی حسن آبادی ، محسن - افکار عمومی و کیفر گرایی - مجله مطالعات حقوقی - دوره سوم - شماره



عمومی هستند. این مقامات با توجه به انتخاب توسط مردم بیشترین تاثیر پذیری را از فضای رسانه ای جرایم دارند و واکنش های عوام گرایانه در اقدامات آن ها در پاسخ به مطالبات رسانه ها امری رایج است. عوام گرایی در دستگاه قانون گذاری موجب می شود دیدگاه های مردم عادی در خصوص مسایل کیفری از جمله مجازات مجرمین ملاک عمل آنان قرار گیرد. تحلیل محتوای مذاکرات نمایندگان مجلس شورای اسلامی در فرآیند قانونگذاری کیفری نشان دهنده میزان فراوانی و تنوع در بهره گیری از واژگانی است که بیانگر نگرانی های مردم و انتظارات عمومی است. برای نمونه، تمرکز بر دلایلی مانند: «حل مشکلات مردم»، «تأمین امنیت مردم»، «رفع دلواپسی مردم» به هنگام بررسی لایحه الحاق یک ماده به قانون مجازات اسلامی در خصوص نحوه نظارت بر مجرمین سابقه دار (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۷، صص ۱۷-۱۰)، تاکید بر برآورده کردن «مطالبات عمومی»، «انتظار عمومی»، «منافع عمومی» از طریق ارایه طرح اصلاح ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۲۴ خرداد ۱۳۸۵، صص ۸-۱۲)، و نیز دفاع از طرح تشدید مجازات جرائم اخلاص در امنیت روانی جامعه با استناد به «انتظارات مهم مردم» و «توقعات جامعه» (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۲ تیر ۱۳۸۷، صص ۱۲-۱۰) از نمادهای بارز مشروعیت بخشیدن به سیاست های کیفری ایران به شمار می آید.^۱ این در حالی است که شناخت افکار عمومی از مجازات و ویژگی های آن ناشی از اخباری است که رسانه ها بازتاب می یابد. رسانه ها نیز جرایمی را بازتاب می دهند که دارای ارزش خبری بالایی هستند و عمده جرایم دارای ارزش خبری جرایم خشونت آمیز است. مجازات جرایم خشونت آمیز نیز دارای درجه تنبیهی بالایی است و به منظور رسیدن به هدف تنبیهی مجازات نیز ویژگی سزا دهی آن افزایش داده می شود. در نتیجه در رسانه ها مجازات هایی که بازتاب داده می شود دارای شدت بیشتری هستند و با توجه به اینکه این گزارش ها توسط مردم مورد نگرش واقع می شود، دیدگاه های مردم عادی

^۱ - مقدسی، محمد باقر و فرجیها، محمد- ویژگی های سیاست های عوام گرایانه - صص ۱۴



نیز همسو و مطابق با الگوی رسانه ای مجازات ها شکل می گیرد. نتیجه این امر گرایش افکار عمومی به سزادهی در اعمال مجازات ها است که از این امر به عنوان کیفر گرایی عمومی به معنای گرایش مردم به پاسخ های سرکوبگرانه یاد می شود.^۱ این در حالی است که سزادهی تنها یکی از اهداف مجازات ها است و در انتخاب میزان مجازات نیز نباید ویژگی های مجازات ها از قبیل سزادهی به اندازه ای تعیین شود که سایر اهداف مجازات ها به خصوص اصلاح و بازپروری مجرم را با مخاطره رو به رو کند به همین دلیل برای تامین هدف اصلاحی مجازات ها ناگزیرند از خشونت آن بکاهند.^۲ از طرفی نیز محتوای اخبار رسانه ای در خصوص پدیده های مجرمانه و به خصوص جرایم رسانه ای شده بیش از حد خلاصه و فاقد جنبه تحلیلی است. این دو ویژگی موجب می شود که درک و نگرش مردم از پرونده های کیفری سطحی و غیر کارشناسی بوده و از دیدگاه های کارشناسی فاصله بگیرد. یکی از دلایل اصلی فاصله گرفتن دیدگاه های مردمی از دیدگاه های کارشناسانه در خصوص میزان مجازات عدم توجه خبر نگاران به اهداف مجازات ها و بازتاب ندادن آن است. با وجود اهمیت توجه به اهداف مجازات ها در گزارش های خبری به ندرت می توان به گزارشی برخورد کرد که در آن اهداف مجازات ذکر شده باشد. اشاره گزارشگران به اهداف مجازات ها یا به طور صریح است و یا منظور خود را با آوردن عباراتی مانند: به منظور، در جهت و ... بیان می کنند. در تحقیقاتی که بر روی روزنامه های کانادایی انجام شده است در کل در ۷۰ درصد از گزارش ها اصلا دلیلی برای مجازات ذکر نشده و در ۱۸ درصد یک دلیل و در ۵ درصد دو دلیل ذکر شده است. اهدافی هم که در این گزارش ها ذکر شده غالبا اهداف خاص مجازات ها نیست و فقط در ۶ درصد به هدف بازدارندگی و در ۴ درصد به یکی از سایر اهداف مجازات ها اشاره شده است.^۳ دلیل این امر هم این است که اشاره به اهداف مجازات ها علاوه بر اینکه به گزارش جنبه فنی داده و با لزوم ساده نویسی و خلاصه بودن متن در گزارش ها تعارض دارد،

^۱ - همان منبع - ص ۸

^۲ - اردیلی، محمد علی - حقوق جزای عمومی - جلد دوم - نشر میزان - چاپ هشتم - پاییز ۱۳۸۴ - ص ۱۳۱

^۳ - V. Roberts, Julian - Sentencing public Opinion and the News Media - pag119



مطالعه آن نیز خارج از حوصله و وقت مخاطب است. در مجموع این عوامل مانع تحقق درک و نگرشی صحیح در مخاطبان در خصوص اهداف مجازات‌ها می‌گردد. با وجود چنین محدودیت‌هایی در بازنمایی رسانه‌ای جرایم و به تبع آن افکار عمومی شکل گرفته، دستگاه قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در وضع برخی از قوانین، از افکار عمومی و خواسته‌های مردم پیروی کرده است که این اقدامات قانون‌گذار مصداق بارز عوام‌گرایی است. در این گونه مصوبه‌ها همراهی مسئولین با افکار عمومی با توجه به گرایش افکار عمومی به سزاگرایی در غالب تشدید مجازات مجرمین نمود پیدا می‌کند. حتا این اقدامات قانون‌گذار در برخی موارد ممکن است به پیش‌بینی عنوان مجرمانه‌ی مستقل برای برخی از جرایم یا تغییر عنوان مجرمانه‌ی عمل ارتكابی نیز منتهی گردد. به عنوان نمونه می‌توان به پیش‌بینی عنوان مجرمانه افساد فی الارض و مجازات اعدام در قانون ((اصلاح قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می‌نمایند)) اشاره کرد. به دلیل وجود چنین ویژگی‌هایی است که محققان این مصوبه را یکی از مصادیق عوام‌گرایی در دوره‌ی مجلس هفتم قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران می‌دانند.^۱ این قانون پس از انتشار فیلم خصوصی یکی از هنرپیشه‌ها که منجر به جریحه‌دار شدن احساسات مردم گردید تصویب شد و به شدت تحت تاثیر فضای احساسی ایجاد شده توسط رسانه‌ها قرار داشت. ایراد اصلی این رویه قانونگذاری کیفی تأثیرپذیری شدید آن‌ها از فضای احساسی، هیجانی و رسانه‌ای حاکم بر جامعه و فقدان ارزیابی علمی است. یافته‌های علمی نشان می‌دهد این تدابیر شتابزده به دلیل درک نادرست از واقعیت‌های مجرمانه در عمل نمی‌توانند تأثیر چندانی در پیشگیری از جرم داشته باشند. حاکمیت فضای احساسی گاهی باعث می‌شود حتی در مواردی که میزان اثربخشی این تدابیر در معرض تردید قرار دارد تحت تاثیر فشارهای سیاسی و مطالبات عمومی اجرای این رویه‌ها همچنان استمرار یابد.^۲ یکی دیگر از عواملی که در سزاگرایی موثر است

^۱ - فرجیها، محمد و مقدسی، محمد باقر- رویکرد عوامگرایی کیفی به جرایم جنسی- ص ۱۲۴

^۲ فرجیها، محمد، پیشگیری نظریه‌مند از جرم، مجموعه مقالات همایش ملی علمی- کاربردی پیشگیری از جرم (مشهد)- تهران: انتشارات



باورهای مردمی در این خصوص است. باورهای مردم یکی از مولفه‌هایی است که می‌تواند بر گرایش آنها به کیفر و میزان و شدت آن موثر باشد.^۱ در این بین رسانه‌ها با تمرکز و تاکید بر باورهای مذهبی به خصوص در جرایمی مثل تجاوز به عنف موجب افزودن بر این تعصبات و تاثیر آنها می‌شوند. در گزارش پایگاه خبری مهر نیوز^۲ از پرونده‌های ((تجاوز جمعی کاشمر)) و گزارش روزنامه انتخاب^۳ از پرونده ((تجاوز گروهی خمینی شهر اصفهان)) با توجه به موضوع این پرونده که تجاوز به عنف بوده بر ارزش‌های مذهبی و سخنان بزرگان دین در این خصوص تاکید شده و بر احساسی شدن فضای رسانه‌ای جرایم می‌افزایند. این اقدام رسانه‌ها یکی از اصلی‌ترین پیش‌زمینه‌های وقوع و پیدایش حرکت‌های توده‌ای در میان مردم است. این حرکت‌های توده‌ای که عنوان خواسته‌های مردمی را با خود یدک می‌کشند در نهایت با واکنش همسوی نهادهای عدالت کیفری به عنوان یکی از مصادیق بارز عوامگرایی کیفری همراه می‌گردند.

بند سوم: عدالت استحقاقی

اصطلاح عدالت استحقاقی به معنای گرایش هرچه بیشتر سیاست جنایی در چند دهه اخیر در توسل به کیفر و مبتنی بر احیای سزاگرایی در حوزه هنجاری مجازات است. این جریان فکری پس از طرح ادعای ناتوانی نظریه و سیاست‌های اصلاح و درمان در پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان مطرح شده است.^۴ در این دیدگاه دیگر اصلاح و بازپروری مجرمین تنها وسیله پیشگیری از وقوع جرم نیست بلکه صرف سزادهی مناسب‌ترین و بهترین منبای توجیه‌کننده مجازات است و با نفي اهداف اصلاحی مجازات و قبول مجازات‌های استحقاقی سیاست سختگیرانه‌ای نسبت به مجرم اعمال می‌گردد.^۵ این رویکرد کاملاً علمی و مبتنی بر یافته‌های

^۱- محمودی خانکی، فیروز و مرادی حسن آبادی، محسن - افکار عمومی و کیفر گرایی - ص ۱۹

^۲Www. Mehrnews.com-1390/3/29

^۳- Www.Magiran.com - به نقل از روزنامه اعتماد به تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۱

^۴- محمودی خانکی، فیروز و مرادی حسن آبادی، محسن - افکار عمومی و کیفر گرایی - ص ۸

^۵- داوودی گرمارودی، هما- مکتب نئوکلاسیک نوین و احیای رویکرد سزادهی - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

تهران-تابستان ۸۴- شماره ۶۸- صفحات ۶۵ الی ۸۸



علوم جنایی است و باید آن را از تمایل افکار عمومی بر سزا گرایی تفکیک کرد. عدالت استحقاقی بیش از همه بر روی مراجع قانون گذاری به عنوان نمایندگان منتخب مردم و بخشی از سیاست جنایی تاثیر گذار بوده و منجر به تشدید واکنش علیه مجرم گشته است. نقش رسانه ها در ایجاد ایده عدالت استحقاقی را نباید نادیده گرفت. یکی از اساسی ترین زمینه هایی که موجب شکل گیری ایده ی عدالت استحقاقی گردید، افزایش احساس ترس از جرم در جامعه بود. برخی معتقدند که این نگرش محصول ترس از جرم است، ترس از جرمی که ریشه در یک تجربه جمعی جدید از جرم و نا امنی در چند دهه ی اخیر دارد.^۱ در بخش نخست بیان شد که ارتباط مستقیمی بین بازتاب جرایم در رسانه ها و میزان ترس از جرم در جامعه وجود دارد. رسانه های گروهی با انتشار اخبار مربوط به جرایم موجب افزایش ترس از جرم در جامعه می گردند. این امر زمانی موثرتر می شود که رسانه های خبری با استفاده از تکنیک های خبری از قبیل استفاده از تصاویر؛ برجسته سازی، ذکر داستانوار حادثه و ... تاثیر این اخبار بر ترس از جرم ناشی از بازتاب این جرایم می افزایند. عامل دیگری که به نحو غیر مستقیم در ترس از جرم موثر است، ایجاد این تفکر در رسانه ها است که نرخ جرایم در حال رشد است. این امر محیط جامعه را به شدت ناامن جلوه می دهد به خصوص اینکه گزارشگران در گزارش های خود اصرار دارند که طوری وانمود می کنند که همه مردم در خطر بزه دیده واقع شدن هستند و این گونه بازنمایی رسانه ای جرایم می تواند این پنداشت را به وجود آورد که جرائم (به ویژه آن جرائمی که مردم بیشتر از آن می ترسند) به شدت در حال رشد هستند.^۲ از طرفی رسانه ها در افزایش واقعی نرخ جرایم نیز تاثیر قابل توجهی داشته اند. افزایش نرخ جرایم به طور مستقیم نیز زمینه ساز پیدایش ایده عدالت استحقاقی گردیده است. افزایش نرخ جرایم موجب تشکیک در توانایی های مکتب دفاع اجتماعی که بر اصلاح و بازپروری مجرمین به منظور پیشگیری از وقوع جرایم تاکید داشت، شده است. با افزایش نرخ جرم در

^۱ - همان منبع - ص ۲۵

^۲ - علیخواه، فردین و نجیبی ربیعی، مریم - زنان و ترس از جرم در فضای شهری - فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی - سال ششم -



کشور های غربی به ویژه امریکا در بین سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ تبدیل به یک بحران شده بود و مکتب دفاع اجتماعی و سیاست بازپروری کوچکترین موفقیتی در مهار آن نداشت.^۱ عدم موفقیت مکتب دفاع اجتماعی در مهار نرخ جرایم به وضوح نمایان بود و منجر به ایجاد اصطلاح اثر صفر درمان در آن زمان شده بود.^۲ بازتاب این اخبار در رسانه ها که در غالب کمرنگ نشان دادن دستاورد های مکاتب دفاع اجتماعی در اصلاح و بازپروری مجرمین و پیشگیری از وقوع جرم و تاکید همزمان بر افزایش نرخ جرایم و پایین بودن درجه ی تنبیهی مجازات ها انجام می شد در پیدایش زمینه ی لازم برای ایده ی عدالت استحقاقی تاثیر قابل توجهی داشته است.

بند چهارم: افزایش میزان مجازات در دستگاه قضایی

قضات دادگاه ها در تعیین میزان مجازات مجرمین مقید و محدود به اختیاراتی هستند که دستگاه قانون گذاری به آن ها اعطا می کند. قانونگذار در تعیین میزان مجازات جرایم دو رویه را دنبال می کند. به این ترتیب که یا میزان مجازات را به طور ثابت تعیین نموده و قضات دادگاه در انتخاب میزان آن اختیاری ندارند مثل مجازات جرایمی از قبیل قتل عمد و تجاوز به عنف که اعدام است یا انتخاب میزان مجازات را در بین حد اقل و حداکثر در اختیار قاضی دادگاه قرار می دهد که این شیوه رایج ترین فرض تعیین مجازات است.^۳ در این صورت قاضی دادگاه در انتخاب میزان مجازات با رعایت اصل فردی کردن مجازات ها میزان مجازات را از بین حداقل و حداکثر قانونی انتخاب می کند. در این بین قاضی دادگاه می تواند با رعایت مواد مختلف قانونی از قبیل مواد ۲۲، ۴۶، ۴۷، ۴۸ و ۴۹ ق.م.ا. میزان مجازات را تعیین نموده و حتی به کمتر از میزان قانونی آن رای دهد که به این مجازات، مجازات قضایی و به مجازاتی که در متن قانون تعیین شده است مجازات قانونی گفته می شود. بازتاب جرم در رسانه موجب افزایش دامنه تاثیر آن می شود و هرچه قدر نتایج و پیامد های یک عمل شدیدتر باشد سرزنش

^۱ - داوودی گرمارودی، هما - مکتب نئوکلاسیک نوین و احیای رویکرد سزادهی - صفحات ۶۵ الی ۸۸

^۲ - همان.

^۳ - اردبیلی، محمد علی - حقوق جزای عمومی - جلد دوم - ص ۱۹۹



و مجازات بزرگتر خواهد بود و بین این دو رابطه‌ی نزدیک و مستقیم وجود دارد و میزان سرزنش و مجازات تابعی از شدت نتایج و پیامدهای جرم است.^۱ در نتیجه دادگاه‌ها در تعیین میزان مجازات جرم به پیامدهای آن نیز توجه می‌کنند و رسانه‌ها با دامن زدن به عواقب جرم در جامعه موجب می‌گردند که قضات مجازات‌های بیشتری را اعمال کنند.

در مورد اینکه مجازات باید متناسب باشد اختلاف نظر وجود ندارد اما در جزئیات آن اختلاف نظر قابل مشاهده است. تناسب مجازات از یک سو با جرم ارتكابی سنجیده می‌شود و باید با آن متناسب باشد. در این خصوص اختلاف نظری وجود ندارد. اما این تناسب با توجه به اهمیت جرم ارتكابی تعیین می‌گردد. در خصوص اهمیت جرم آنچه در رسانه‌ها بازتاب داده می‌شود با آنچه در عمل توسط قضات رعایت می‌گردد متفاوت است. در گزارش رسانه‌ها آنچه معیار تناسب است تناسب عرفی است، به این ترتیب که جرم قتل یا تجاوز به عنف از سرقت شدیدتر و سرقت از توهین شدیدتر است. از طرفی نیز الفاظی که رسانه‌ها برای گزارش‌های خود استفاده می‌کنند الفاظی کلی است و بیانگر تحلیل‌ها و تفاوت‌های انواع جرایم به لحاظ شدت و ضعف نیست و بیشتر از الفاظی استفاده می‌شود که جذاب باشد و توجه مخاطب را جلب کند و به همین علت به الفاظ تخصصی و مبانی و شرایط قانونی آن اشاره نمی‌کنند.^۲ در نتیجه محتوای رسانه‌ها در خصوص اهمیت و جدیت جرم ارتكابی اطلاعات فنی و قابل توجهی به مخاطبان خود ارایه نمی‌دهد.

نکته دیگری که در خصوص لزوم تناسب مجازات مطرح می‌شود تناسب آن با سایر جرایم است. این امر بیانگر این مطلب است که مجازات‌ها به لحاظ شدت و ضعف باید به نحوی طبقه‌بندی شوند که بیانگر اهمیت جرم ارتكابی باشند، مجازات تجاوز از صدمه عمدی شدیدتر و مجازات صدمه عمدی از مجازات توهین شدیدتر باشد. در حالی که تناسب اصلی در جهت تحقق اهداف مجازات‌هاست و بیشتر جنبه‌ی کیفی دارد آنچه در رسانه‌ها به آن پرداخته می‌شود.

^۱ داوودی گرمارودی، هما - مکتب نئوکلاسیک نوین و احیای رویکرد سزادهی - صفحات ۶۵ الی ۸۸ -

^۲ - Pritt ، j ohn -penal populism -pag119



شود تناسب عرفی است و نه تناسب اصلی.^۱ در این خصوص باید توجه داشت که این امر در خصوص جرایمی قابل تصور است که مجازات قانونی آن دارای حداقل و حداکثر باشد و قاضی در تعیین میزان مجازات مخیر باشد اما در خصوص جرایمی که درای مجازات ثابت هستند ، مثل تجاوز به عنف و قتل عمد این تاثیر در مرحله تعیین مجازات کمتر است ولی در اجرای مجازات ها مقابل مشاهده است.

در گزارش های رسانه ای کمتر به حداقل یا حداکثر یا میانگین قانونی جرم پرداخته می شود و مردم هم از این موارد اطلاعی ندارند، فقط در ۲۳ مورد از ۷۶۱ مورد گزارش جرم به حداکثر مجازات ها پرداخته شده است و فقط در ۷ مورد از آنها به حداقل اشاره شده است و در مورد میانگین مجازات حتی در یک گزارش هم به میانگین آن اشاره نشده است. این امر به این معنی است که اخبار رسانه ای هیچ محتوایی جهت ارزیابی مجازات در پرونده های خاص در اختیار مخاطبان خود قرار نمی دهد و در نتیجه در مورد مجازات تعیین شده برای یک جرم افکار عمومی توانایی تعیین اینکه آیا مجازات ضعیف است یا شدید را ندارند.^۳ رعایت تناسب در مجازات ها تاثیر خود را بر مجازات قضایی نشان می دهد. در پرونده هایی که جنبه ی رسانه ای پیدا می کنند قضات دادگاه همسو با جریان ایجاد شده توسط رسانه ها و افکار عمومی در صدور رای عمل کرده و از الگوی معمولی خود در پرونده های مشابه پیروی نکرده و مجازاتی شدیدتر از سایر پرونده ها را اعمال می کنند. به منظور نشان دادن این همبستگی در این تحقیق اقدام دادگاه در صدور رای محکومیت برای مجرمین حادثه ((خمینی شهر اصفهان)) را مورد تحلیل و مقایسه با نمونه های مشابه قرار می دهیم. با وجود محدودیت های اخبار رسانه ای در بازتاب اخبار جنایی و ناقص بودن افکار عمومی در این خصوص ، افکار عمومی ناشی از این بازتاب بر عملکرد دادگاهها در صدور رای تاثیر گذارند. مجازاتی که توسط افکار عمومی نسبت به یک جرم پیشنهاد می شود شدیدتر از مجازاتی است که توسط قضات در صدور رای

¹ ibid - pag120

² - V. Roberts, Julian - Sentencing public Opinion and the News Media - pag119

³ - ibid



اعمال می‌گردد. از طرفی عدم بازتاب کامل اهداف مجازات‌ها در رسانه‌ها و تبعیض در انتخاب جرایم موضوع اخبار جنایی موجب می‌گردد که در رسانه‌ها مردم به فکر کردن در مورد علت معقول مجازات‌ها تشویق نشوند و اگر یک قاضی در جهت رسیدن به یکی از اهداف مجازات‌ها از شدت آن بکاهد از نظر مردم این مجازات غیر معقول است بدون اینکه دلیلی برای تخفیف توسط رسانه‌ها بیان شود.^۱ رسانه‌ها مردم را تشویق می‌کنند که مجازات صرفاً سزا دادن است و چنانچه یک جرم سزادهی کمتری داشته باشد رسانه‌ها از آن به عنوان تخفیف یاد می‌کنند. این امر باعث شده است که مخاطبان توانایی درک صحیح از اقدامات و تدابیر قضات در صدور رای را نداشته باشند و نسبت به اقداماتی که با برداشت‌های آنها مخالف است با دید انکار نگریسته و واکنشی انتقادی داشته باشند.

این امر درست است که مقامات صادرکننده‌ی رای برخلاف نمایندگان مجلس یا مقامات دادسرا وابستگی مستقیم به افکار عمومی ندارند و در معرض تلافی جویی آنها نیز آنگونه که برای نمایندگان مجلس متصور است قرار ندارند اما این به معنی عدم تاثیر پذیری از افکار عمومی در صدور رای نیست. در واقع برداشت‌های مردم از مسایل مربوط به جرم و مجازات اقدامات مقامات کیفری از جمله قضات را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تاثیر گذاری بر صدور رای قضات غالباً به این گونه است که در ارتباط بین گروه‌های متنوع اجتماعی شهروندان و هیئت حاکمه قضایی دیدگاه‌های مشابهی در خصوص مسایل اجتماعی و سیاست کیفری مطلوب باشد و توسعه پیدا کند که یکی از این دیدگاه‌ها می‌تواند جرم و مجازات باشد.^۳ هرچند قضات در مقام قضاوت به عنوان فردی بی طرف و مستقل از جامعه و شخص مجرم به قضاوت می‌پردازند، ممکن است به عنوان یک عضو جامعه از دیدگاه‌های مردم عادی تاثیر بپذیرند. در مصاحبه‌ای که با قضات دادگاه‌ها به عمل آمد، تمامی آن‌ها بیان داشتند که در صورت رسانه‌ای شدن بازتاب جرم، افکار عمومی و میزان تاثیر این عمل در

¹ - V. Roberts (Julian - Sentencing public Opinion and the News Media - pag119

² -Ibid- pag122

³ ibid - pag 325



جامعه در تعیین میزان مجازات بین حداقل و حداکثر مورد توجه آن‌ها قرار خواهد گرفت و در نتیجه مرتکبین جرایم رسانه‌ای شده با مجازات شدید تری نسبت به سایرین مواجه می‌شوند.

بخش سوم : تاثیر رسانه‌ای شدن جرم بر تعیین نوع مجازات

نظر سنجی‌های انجام شده نشان می‌دهد مردم اطلاعات خود در خصوص جرایم را از اخبار رسانه‌ها و برنامه‌های رسانه‌ها کسب می‌کنند^۱ در نتیجه افکار عمومی در خصوص مجازات‌ها عمدتاً توسط رسانه‌ها ایجاد می‌گردد. در نتیجه هرگونه اقدام مقامات عدالت کیفری که با پیش فرض‌های مردم از مجازات تفاوت داشته باشد با تحلیل و دید منفی رسانه‌ها مواجه می‌شود. بنابراین با توجه به شکل‌گیری افکار عمومی طبق الگوهای بازتاب یافته در رسانه‌ها ابتدا باید ماهیت مجازات‌هایی که در رسانه‌ها بازتاب داده می‌شود را تحلیل کنیم.

بند اول : بازتاب مجازات در رسانه‌ها

ساده‌سازی متن اخبار به عنوان یکی از مهارت‌های خبرنگاری عنوان شده است.^۲ این اقدام در راستای روان‌خوانی مخاطبان و توجه به سطح معلومات آنها است. توجه بیش از اندازه به این امر و وجود سایر محدودیت‌ها در رسانه‌ها و زمان‌اندک تخصص یافته به اخبار جنایی در رسانه‌ها موجب شده است که در رسانه‌ها کمتر در مورد رسیدگی‌های کیفری و یا روند اجرای مجازات در اخبار اطلاعات داده شود در نتیجه یک پروسه سیستماتیک در مجازات‌ها معیار اندازه‌گیری کمی خلاصه می‌شود.^۳ در این گزارشات یک جلسه رسیدگی چند ساعته در یک گزارش چند سطری خلاصه می‌شود و قسمت‌های زیادی از روند رسیدگی در اخبار بازتاب داده نمی‌شود. در نتیجه بیشتر نکاتی را برای قضات در صدور رای مهم هستند

^۱ R. Glik, Henry - W. Pruet, George - Crime, Public Opinion And Trial Courts- p 323

- محبی، سیده فاطمه - ردپای سطحی‌نگری در رسانه‌ها - ص ۶۱

^۳ - V. Roberts, Julian - Sentencing public Opinion and the News Media - The British Journal of Criminology (BJC) - 1999 - pag 116



در اخبار حذف می‌شود و بر عکس بر بعضی دیگر از مسایل بیش از حد تاکید می‌شود.^۱ در نتیجه نکاتی که موجب می‌شوند قاضی دادگاه مجازات خاصی را انتخاب کنند بازتاب داده نمی‌شود در حالی که پژوهش‌های انجام شده نشان داده است به موازات افزایش آگاهی‌های عمومی نگرش مردم در خصوص نوع و ماهیت سیاست‌های کیفری تغییر می‌یابد. واکنش اولیه افکار عمومی نسبت به رویدادهای مجرمانه معمولاً سخت‌گیرانه است و پاسخ‌های قضایی را بسیار خفیف و ناعادلانه می‌داند. اما، هنگامی که مردم با واقعیت‌های پرونده از جمله علل و عوامل وقوع جرم، ویژگی‌های فردی و اجتماعی مرتکب، و نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم آشنا می‌شوند، همراهی بیشتری به اتخاذ رویکردهای منطقی و غیر احساسی قضایی از خود نشان می‌دهند.^۲ اما ماهیت اخبار رسانه ای و خلاصه و توصیفی بودن آن مانع از آشنایی و درک مردم نسبت به واقعیات پرونده می‌شود.

به عنوان نمونه می‌توان به شرح‌هایی که از جلسات رسیدگی پرونده‌ی ((فساد بانکی)) اخیر بازتاب داشته اشاره کرد. در تمامی این گزارش‌ها به شرح واقعه و یا نحوه انجام فعالیت مجرمانه به شیوه ای کاملاً داستانی بسنده شده است و نکات حقوقی مورد اشاره قرار نگرفته و یا اینکه در غالب پوشش داستانی جلسه رسیدگی به این نکات هم اشاره شده و یا توسط گزارشگر حذف شده و مورد اشاره قرار نگرفته است و کمتر موردی را می‌توان یافت که بر روی مباحث حقوقی و فنی متمرکز شده باشد.^۳ این امر مانع از شکل‌گیری نگرش کامل در خصوص دلایل و عوامل موثر در خصوص انتخاب مجازات در مخاطبین رسانه‌ها می‌شود. از طرفی نیز موضوع اخبار جنایی در رسانه‌ها بر روی جرایم خاصی متمرکز است. این جرایم اغلب جرایمی هستند که به عنوان جرایم خشونت آمیز شناخته می‌شوند. دلیل این امر هم

^۱ -ibid-pag 116

^۲ - فرجیها، محمد و مقدسی، محمد باقر- ویژگی‌های سیاست‌های عوام‌گرایانه - ص ۶- به نقل از

Keijser, J.W., Koppen, P.J., & Elffers, H., "Bridging the gap between judges and the public? A multi method study", Journal of Experimental Criminology, Vol. 3 (2), 2007

^۳ برای مطالعه‌ی نمونه‌ای از این گزارشات مراجعه شود به روزنامه رسالت، شماره ۷۵۱۳ به تاریخ ۹۱/۱/۲۱، صفحه ۱ - روزنامه جام

جم، شماره ۳۳۹۸ به تاریخ ۹۱/۲/۱۱، صفحه ۲ - روزنامه شرق، شماره ۱۵۲۳ به تاریخ ۹۱/۲/۱۹، صفحه ۲



ارزش خبری بالای این نوع از جرایم است. یکی از نتایج تمرکز بر روی جرایم خشونت آمیز این است که در رسانه‌ها به جز اهداف تنبیهی مجازات به سایر اهداف مجازات‌ها اشاره نمی‌شود، چون مجازات این نوع از جرایم اکثراً دارای جنبه تنبیهی بالایی است.^۱ این درجه بالای تنبیهی در مورد مجازات اعدام به عنوان شدیدترین ضمانت اجرای کیفری در کشور ما نمایان است. مجازات جرایمی هم چون قتل عمد، تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه (در صورت صدق عنوان محارب) به عنوان بارزترین نمونه جرایم خشونت آمیز اعدام است. مجازات‌هایی مثل حبس و شلاق نیز دارای درجه‌ی تنبیهی بالایی هستند. اما نوع مجازات در هر کشور بستگی به مقررات آن کشور دارد. در کشورهایی که مجازات اعدام حذف شده است، مجازات حبس به عنوان مجازاتی که دارای درجه تنبیهی بالایی است شناخته می‌شود. کشور کانادا نمونه‌ای از کشورهایی است که در آن مجازات حبس نسبت به جرایم خشونت آمیز اعمال می‌شود. در تحقیقی که بر روی روزنامه‌های این کشور انجام گرفت مجازات بازتاب داده شده در رسانه‌ها در بیش از ۷۰ درصد مجازات حبس بود در حالی که در حقیقت فقط ۱/۴ در صد مجازات‌ها حبس بوده است و در حالی که بیش از نیمی از مجازات‌ها جریمه‌ی نقدی هستند در اخبار فراوانی این مجازات فقط ۹ درصد بوده است. بنابراین با توجه به اینکه مردم اطلاعات خود را در خصوص مجازات از رسانه‌ها دریافت می‌کنند جای تعجب ندارد اولین واکنش مردم به مجازات مرتکبین جرایم حبس باشد.^۲ انتخاب مجازات در این خصوص بستگی به مجازات‌هایی دارد که در نظام قضایی به رسمیت شناخته شده است. اما نکته مشترک تمامی کشورها این است که در رسانه‌ها بر روی جرایم خشونت آمیز تمرکز می‌شود و مجازات این جرایم نیز شدیدترین درجه تنبیهی را در بین مجازات‌ها دارند.

بند دوم: انتخاب مجازات‌های تنبیهی در دستگاه قضایی

در خصوص جرایمی که فقط یک مجازات دارند مثل قتل و یا تجاوز به عنف تاثیر گذاری

^۱ - V. Roberts, Julian – Sentencing public Opinion and the News Media – pag122

^۲ - ibid – pag118



بر عملکرد دادگاه‌ها در انتخاب نوع مجازات منتفی است. اما در جرایمی که مجازات آن‌ها از نوع تعزیری است و قاضی در تبدیل مجازات در جهت فردی کردن اجرای مجازات در چهارچوب ماده ی ۲۲ ق.م.ا. اختیار دارد این تاثیر گذاری مشهود است. در حالی که در جرایم رسانه ای شده دادگاه‌ها از اختیارات خود به طور معمول استفاده نمی کنند. در این گونه جرایم در صورت رسانه ای شدن رسیدگی کیفری دادگاه‌ها در مقام صدور رای مجازاتی را انتخاب می کنند که با برداشت‌ها و انتظارات افکار عمومی همسویی بیشتری داشته باشد. با توجه به اینکه افکار عمومی تمایل بیشتری به سزاگرایی در خصوص مجرم دارند دادگاه‌ها نیز این امر را در صدور رای ملاک قرار داده و مجازات‌هایی را انتخاب می کنند که دارای درجه ی تنبیهی بالایی باشد. این اقدام به خصوص زمانی نمایان است که دادگاه‌ها از اختیارات خود در خصوص انتخاب مجازات مناسب برای مجرم در جهت تشدید عملکرد علیه وی استفاده می کنند. به عنوان نمونه می توان به حکم مجازات صادر شده برای متهم ردیف دوم واقعه ی میدان کاج سعادت آباد تهران اشاره کرد. این متهم از اتهام معاونت در قتل عمدی تبرئه شد اما در خصوص اتهام رابطه ی نامشروع به ۹۹ ضربه شلاق تعزیری محکوم گردید. این امر در حالی است که در ۵ پرونده ی با موضوع رابطه ی نامشروع که رسانه ای نشده بود و مورد بررسی قرار گرفت قاضی دادگاه با استفاده از اختیارات حاصله از ماده ی ۲۲ ق.م.ا. در خصوص تبدیل مجازات و یا ماده ۲۵ این قانون در خصوص تعلیق مجازات استفاده می کرد و در هیچکدام به مجازات شلاق رای نداده بود. حتی در یک مورد که اتهام آدم ربایی نیز همراه داشت به پرداخت جزای نقدی محکوم نمود. در حالی که در این پرونده که جنبه ی رسانه ای پیدا کرده حکم به مجازات شلاق صادر شد. به نظر می رسد بازتاب وسیع رسانه ای این جرم و به خصوص مقصر اصلی جلوه دادن این شخص در وقوع جرم توسط رسانه‌ها در صدور رای بی تاثیر نبوده است و قاضی دادگاه تحت تاثیر افکار عمومی قرار گرفته است. پس از ارتکاب این جرم و به خصوص با وجود کلیپ تصویری از آن اخبار مربوط به این جرم ارزش خبری بالایی پیدا نمود و به شدت توجه افکار عمومی را به خود جلب کرد. بازتاب بین المللی این خبر در حساسیت افکار عمومی نسبت به آن تاثیر قابل



توجی داشت . در نهایت مسئولان دستگاه قضایی در رده های مختلف نسبت به این پرونده جهت گیری یکجانبه ، علیه متهمین و همسو با افکار عمومی ایجاد شده اتخاذ کردند . مسولان دستگاه قضایی و در صدر آنان رییس قوه ی قضاییه در مصاحبه های خود این اقدام را محکوم و تقبیح نمودند و در جهت اطمینان دادن به افکار عمومی حتی وعده ی رسیدگی به طور ویژه به این پرونده را دادند . رویه ای که هیچ گونه مستند حقوقی و قانونی ندارد و در جهت راضی نگه داشتن افکار عمومی اتخاذ گردید . در جلسه رسیدگی قاضی دادگاه نیز با اظهاراتی مثل ((... نتیجه ی کار تو مشخص است ... و کاری که تو کردی آبروی ایران را در تمام دنیا برد ...)) خطاب به متهم خود تاثیر پذیری از فضای رسانه ای ایجاد شده را نشان داد . با این وجود جای تعجب ندارد که قاضی دادگاه در مقام صدور رای نیز از افکار عمومی تاثیر پذیرفته و مجازاتی را انتخاب کند که از نظر افکار عمومی پاسخگوی آثار منفی این جرم در جامعه باشد. در مصاحبه ای که با قضات دادگستری به عمل آمد ، سه نفر از قضات بیان داشتند که نباید رسانه ای شدن جرم تاثیری بر استفاده از نهاد های تعلیق و یا تبدیل مجازات داشته باشد . اما در عین حال یک نفر از قضات با تعلیق و یا تبدیل مجازات متهمینی که جرم آنان جنبه رسانه ای پیدا می کند مخالف بود. در مجموع به نظر می رسد نظر اکثریت این قضات بر عدم تاثیر رسانه ای شدن جریان جرم بر تعلیق یا تبدیل مجازات متهمین باشد . در حالی که نتایج این تحقیق بر خلاف این اظهارات است. در پرونده های رسانه ای شده نحوه بازنمایی رسانه ای جرم موجب ایجاد انتظار مجازات شدید از دستگاه قضایی می شود . در نتیجه مجازات هایی که دارای درجه تنبیهی پایین تر و در مقابل درجه اصلاحی بیشتری هستند به عنوان مجازات های بیش از حد خفیف توسط مردم انگاشته شود و نتیجه این امر این است که اگر قاضی در جهت تحقق اهداف اصلاحی و یا درمانی و یا فردی کردن مجازات از خصوصیت تنبیهی آن بکاهد از نظر رسانه ها و مردم این امر یک مجازات خفیف است.^۱ این واکنش ها در اظهارات مردم در خصوص نتایج اقدامات مقامات قضایی مشهود است . علاوه بر این در خصوص دلایل افزایش نرخ جرم در جامعه بخش قابل توجهی از مردم دادگاه ها را مسئول افزایش نرخ جرم

^۱ - ibid



می‌دانند، به این صورت که برخی قضات را بیش از حد سهل‌گیر می‌دانستند و برخی به ضعیف شدن مجازات‌ها در دوره‌های اخیر اشاره می‌کردند و مجموعاً بر این باور بودند که دستگاه‌های عدالت کیفری به قدر کافی سخت‌گیر نیستند.^۱ مجموع این عوامل موجب می‌شود تا در پرونده‌های رسانه‌ای شده قضات دادگاه‌ها همسو با جریان افکار عمومی و فضای رسانه‌ای گرایش به مجازات‌ها تنبیهی داشته باشند.

بند سوم: تاثیر بر اعمال مجازات‌های جایگزین

با پیشرفت علوم جرم‌شناسی و تحت تاثیر یافته‌های مکتب دفاع اجتماعی و در جهت دستیابی به اهداف درمانی و اصلاحی مجازات‌ها انواع جدیدی از مجازات‌ها که با این اهداف سازگار بودند به ضمانت‌اجراهای کیفری افزوده شدند و کم‌کم جای مجازات‌های سنتی را در خصوص برخی جرایم گرفتند. دلیل اصلی اتخاذ این تدابیر توجه به این نکته است که شخصیت مجرم در زمان ارتکاب جرم به منظور تعیین مجازات باید در نظر گرفته شود. به همین دلیل دیگر نمی‌توان به این تقسیم‌بندی تاکید داشت که مجازات‌ها صرفاً بر اساس جرم انجام شده تقسیم‌بندی شوند بلکه ضمن تناسب مجازات با جرم انجام شده شخصیت فردی که مرتکب جرم شده است نیز باید در نظر گرفته شود.^۲ مجازات‌های جایگزین طیف وسیعی از ضمانت‌اجراها را شامل می‌شود که با توجه به شخصیت مرتکب نسبت به وی قابل اعمال است و به عنوان یکی از ابزارهای سیاست فردی کردن مجازات‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۳ به عنوان نمونه می‌توان به مراقبت خارج از زندان، ارایه‌ی خدمات عمومی، پرداخت جزای نقدی روزانه و محرومیت موقت از برخی حقوق اجتماعی اشاره کرد.^۴ این مجازات‌ها عموماً دارای درجه پایین سزادهی هستند و به منظور دوری جستن از پیامدهای نامطلوب مجازات‌های

^۱ - R. Glik, Henry - W. Pruet, George - Crime, Public Opinion And Trial Courts- pag 319

^۲ - مسکنی، زهره - جایگزین‌های مجازات حبس - ماهنامه اصلاح و تربیت - سال چهارم - شماره ۴۳ - ص ۱۹

^۳ - فردی کردن مجازات به این معنی است که مجازات نسبت به هر مجرم به نحوی اعمال گردد که نتایج اجرای مجازات بهتر محقق گردد

- مسکنی، زهره - جایگزین‌های مجازات حبس - ص ۲۰



سنتی مثل عادی شدن مجازات حبس برای مجرمین و ریختن ترس مجرمین از این مجازات و آموزش شیوه های جدید ارتکاب جرم در زندان اتخاذ می شوند.^۱

نکته ی قابل توجه در خصوص این مجازات ها این است که باید در بستر جامعه و نه نهادهای دولتی (زندان و موسسه های مشابه) اعمال شوند . در این تدابیر بزهکار در جامعه باقی می ماند و در واقع آزادی خود را در عین تحمل کیفر صادر شده حفظ می کند.^۲ آنچه در موفقیت این تدابیر اهمیت دارد مقبولیت و پذیرش این تدابیر در بین افراد جامعه است. اعضای جامعه ممکن است در غالب نهادهای مختلف اجتماعی با توجه به اینکه بخش وسیعی از این تدابیر توسط مشارکت نهادهای اجتماعی را می طلبد در تحقق اهداف این تدابیر موثر باشند و نیز به طور مستقیم و در قالب مشارکت اجتماعی در حمایت از این تدابیر ، نقش تعیین کننده ای در تحقق اهداف این تدابیر دارند.^۳ رسانه های گروهی به عنوان موثر ترین ابزارها در تعیین مقبولیت ها و مطلوبیت های اجتماعی شناخته می شوند و همانطور که می توانند موجب ایجاد این مقبولیت گردند ممکن است با اقدامات خود از تحقق زمینه های اجتماعی لازم جلوگیری کنند. یکی از ویژگی های مجازات های جایگزین این است که برخی از آن ها جنبه ی ترمیمی دارند . یعنی مجازات جنبه ی عمومی و سزادهی متعارف را ندارد بلکه بیشتر به دنبال ترمیم آزردهی روانی، عاطفی، معنوی و خسارت های مالی بزه‌دیده از سوی بزهکار است.^۴ با توجه به اهمیت افکار عمومی در این خصوص، مسئله مهم جلب حمایت های اجتماعی لازم برای اصلاحات اجتماعی در جهت حمایت از مجازات های جدید است. لذا در اصلاح نظام مجازات ها با مسئله ای به نام اعتبار و نتایج اصلاح مجازات ها در میان مردم روبه رو می شویم

^۱- شمس ، فواد- نگاهی به مجازات های جایگزین - نشریه بهداشت روان و جامعه - اردیبهشت ۱۳۸۹- ص ۱۸

^۲-راحی، اسما- تبیین حقوقی جرمشناختی مجازات های جامعه مدار در حقوق ایران و فرانسه- پایان نامه ی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری- زمستان ۱۳۸۸- ص ۴۹

۴۸- گروه نگارش ماهنامه اصلاح و تربیت - موضوعات ساختاری در اعمال جایگزین ها - ماهنامه اصلاح و تربیت - سال پنجم - شماره ۵۸و۵۷- آذر و دی ماه ۸۵- ص ۵۰^۳

^۴.سان، ژان-جایگزین های سلب آزادی و برآورد ترازنامه ای اجرایی آن ها در حقوق فرانسه- ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی-

مجله ی تحقیقات حقوقی - شماره ۳۱-۳۲- انتشارات دانشگاه شهید بهشتی- سال ۱۳۷۹- ص ۲۷۳



که بستگی به این دارد که مجازات های غیر توقیفی نسبت به حبس در بین مردم طرفدار داشته باشد یا نه؟^۱ در رسانه ها اغلب به جرایم خشونت آمیز که مجازات آنها دارای درجه سزادهی بالایی است پرداخته می شود. یکی از نتایج بازتاب جرایم در رسانه گرایش مردم به سزاگرایی و مطالبه شدت عمل بیشتر و سزادهی بیشتر از دستگاه عدالت کیفری است. در نتیجه حمایت های اجتماعی لازم برای مجازات های جایگزین فراهم نمی گردد. از طرفی قانع کردن افکار عمومی به مطلوبیت مجازات های جایگزین نیازمند صرف وقت زیاد و اطلاع رسانی فنی و علمی است و هر دوی این موارد از توانایی رسانه های گروهی خارج است در نتیجه رسانه های گروهی نه تنها زمینه اعمال مجازات های جایگزین را فراهم نمی کنند، بلکه با دامن زدن به سزاگرایی در جامعه مانع بر سر راه آن نیز ایجاد می کنند. تاثیر دیگری که رسانه ای شدن جرم داشته است ناشی از سیاسی شدن بازتاب اخبار مربوط به جرایم است. به این ترتیب که از یک طرف ارتکاب جرم به عنوان نتیجه بی کفایتی گروه حاکم و ایدئولوژی های آن در اداره و تضمین سلامت جامعه نشان داده می شود و از طرفی نیز بازتاب رسانه ای جرم موجب تشدید مجازات و سزاگرایی می شود. در نتیجه یکی از سیاست های گروه حاکم که بی نتیجه جلوه داده می شود اعمال مجازات های شدید نسبت به مجرمین است و با توجه به فنی و علمی نبودن این انتقادات، اقداماتی بعضا انفعالی و هم سنخ این انتقادات در پاسخ به آنها انجام می شود در نتیجه به طور افراطی از میزان مجازات ها کاسته می شود که نتیجه این امر این است که حبس ها خفیف شوند و ماهیت روند اجرای مجازات مبهم شود و به آن دیگر مجازات اطلاق نشود و مجازات ها بی ثبات گردند.^۲

بند چهارم: تاثیر بر شیوه ی اجرای مجازات

اجرای مجازات نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به موجب ماده ۳ ق.ا.ق.ت.د.ع.و.ا. از وظایف دادستان است و توسط نهاد دادرسی اعمال می گردد. منطق قضایی و حقوقی ایجاب می

¹ - DJ Pitieid and CMB Naude - Public opinion in crime seriousness and sentencing -South African Journal of Criminal Justice- 1999- pag 23

² - pritt+ john -penal populism- pag 85



کند که نسبت به پرونده‌های مشابه رویه یکسانی در پیش گرفته شود مگر در صورتی که توجیه و پشتوانه کارشناسی اعمال تدابیر استثنایی را توجیه کند. اما روند بازنمایی رسانه‌ای جرم ممکن است به گونه‌ای باشد که دستگاه قضایی را در اعمال شیوه‌های متفاوت و غیر کارشناسی که بیشتر جنبه نمایشی دارند تحت فشار قرار دهد. در این میان رسانه‌های گروهی با دامن زدن به اخبار مربوط به جرایم خاص و تأکید بر ارزشهایی که در نتیجه آن نقض شده است، ارتکاب جرم را به عنوان اقدامی نشان می‌دهند که پیکره اجتماع را مورد تهاجم قرار داده است. در این پرونده‌ها به نوعی یک بسیج عمومی علیه بزهکار در جامعه به رهبری رسانه‌ها به وجود می‌آید. اگر چه اساساً جرم کنش مثبت یا منفی مخالف نظم اجتماعی تعریف شده^۱ و این تعریف مورد قبول ما نیز می‌باشد و هدف خدشه وارد کردن به این تعریف و مبانی آن نیست اما در این بند بر روی اقداماتی تأکید می‌شود که موجب می‌گردند جرایم رسانه‌ای شده بیش از اندازه بزرگ جلوه داده شده و جنبه خصوصی جرایم تحت تأثیر جنبه عمومی آن قرار گیرد. در این موقعیت حق شخصی بزه‌دیده در معرض تضییع قرار می‌گیرد و بزه‌دیده به اتخاذ تصمیمی معین توسط رسانه‌ها تحت فشار قرار می‌گیرد و حتی ممکن است از حق خود نیز محروم گردد. باید توجه داشت که انتقام یا بخشش مجرم حق شخصی قربانی است و قانونگذار تنها می‌تواند او را بر این امور تشویق کند^۲. در حالی که رویه نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران در مواردی حتی بزه‌دیده را از حقوق مسلم و شناخته شده خود محروم کرده است. در این میان رسانه‌ها با بازتاب اخبار مربوط به این جرایم از طرفی وقوع جرم در جامعه را ناشی از مشکلات ساختاری و کوتاهی جامعه در حفاظت از این افراد معرفی می‌کنند و از طرفی با معرفی مجرم به عنوان موجودی بی‌رحم و خطرناک در بسیج شدن جامعه علیه بزهکار نقش بسیار مهمی دارند. این امر به خصوص زمانی نمایان است که با یک بزه‌دیده واقعی کاملاً بی‌گناه و بی‌دفاع که در کل بی‌گناه فرض می‌شود که به وسیله شخصی بزه‌دیده واقع شده است که کاملاً نقطه‌ی عکس این بزه‌دیده‌ی بی‌گناه است یعنی کاملاً بد

^۱- نوربها، رضا - زمینه‌ی حقوق جزای عمومی انتشارات گنج دانش - چاپ هفدهم - ۱۳۸۵ - ص ۴۰

^۲- ابراهیم پور، حسین - اهداف مجازات در رویکرد حقوق جزا و آموزه‌های دینی - نشریه معرفت - ص ۷۲



خواه و غیر قابل اصلاح ، در چنین حالتی صدمه ای که به قربانی وارد می شود به نظر می رسد که به کل جامعه وارد شده است^۱ . به خصوص زمانی که با یک بزه‌دهنده ی ایده آل که کاملاً بی دفاع و بی گناه است و یک مجرم کاملاً شرور که خطرناک و تبهکار است مواجه هستیم .

به عنوان نمونه می توان به محکوم معروف به بیجه در ایران اشاره کرد که کودکان زیادی را بعد از اذیت و آزار به قتل رسانده بود. مهمتریت تاثیر رسانه ها در این مورد جنبه ی عمومی دادن به این جرم بود که حتی موجب شد عنوان محکومیت متهم افساد فی الارض انتخاب گردد و بزه‌دیدگان و اولیاء دم در قصاص این شخص هیچ گونه سهم و نقشی نداشته باشند. به این ترتیب این پرونده هم جنبه حق الهی و هم حق الناس داشت . در چنین حالتی هم اولیاء مقتول حق قصاص قاتل را دارند و هم حاکم از جنبه حق الهی جرم و در این مواقع حق اولیاء دم به عنوان حق الناس بر کشتن به عنوان محارب مقدم است^۲. در حالی که در این پرونده حق اولیاء دم در قصاص قاتل به وضوح زیر پا گذاشته شد، هر چند در نهایت با تصویب هیئت دولت دیه مقتولین از بیت المال به اولیاء دم پرداخته شد. اما رسانه ای شدن این پرونده و سعی مقامات قضایی در تسریع رسیدگی به این پرونده تحت تاثیر افکار عمومی و فشار رسانه ای موجب شد تا عنوان محارب انتخاب گردد که اجرای آن در مقایسه با قصاص که نیاز به مطالبه اولیاء دم و توافق آنان دارد ، زمان کمتری نیاز دارد. رسانه ها در تغییر عناوین مجرمانه حتی به طور مستقیم نیز نقش دارند . در گزارش اخبار مربوط به جرایم خاص رسانه ای شده از الفاظ و عباراتی که اشخاصی غیر از قضات پرونده نسبت به موضوع در سخنرانی ها به کار می برند ، استفاده می کنند که این امر زمینه عمومیت یافتن جرم را فراهم می کند . به عنوان نمونه می توان به بازتاب سخنان امام جمعه شهرستان کاشمر^۳ در خصوص مفسد فی الارض بودن برخی مجرمین خاص نام برد که در رسانه ها بازتاب داشته است. از طرفی نیز تمرکز افکار عمومی بر جرم ارتکاب یافته موجب می گردند که شدت عمل در مرحله اجرای مجازات نیز

^۱ - pritt+ john -penal populism- pag89

^۲ - لطیف، حسین - حق الله و حق الناس - انتشارات امیر - چاپ اول - ۱۳۷۲ - ص ۱۹۷

^۳ Www. Mehrnews.com-- 1390/3/29



نمود پیدا کند. این شدت عمل عموماً در قالب اعمالی نمود پیدا می‌کند که همسو با افکار عمومی و بازنمایی رسانه‌ای جرایم باشد. با توجه به بازپروری بزهکار با توجه به شخصیت وی که یکی از اهداف اساسی اجرای مجازات است، در صورتی که این هدف پیش از اتمام مدت مجازات محقق شود دیگر نیازی به ادامه مجازات نبوده و اجرای بقیه مجازات لغو و بیهوده دانسته می‌شود. در این راستا استفاده از نهاد های تعلیقی مجازات مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از این تدابیر به مرحله اجرای مجازات نیز سرایت کرده و به جای مجازات های سالب آزادی مانند حبس، اقدامات اصلاحی انجام می‌گردد.^۱ این اقدامات اصلاحی به صورت دستوراتی که ضمن آزادی مشروط یا تعلیق مجازات باید انجام شوند در قوانین پیش بینی شده اند.^۲ بنابراین هر چند استفاده از نهادهایی مثل آزادی مشروط با معین بودن مجازات ها تعارض دارد ولی با توجه به اینکه در این موارد معین کردن مجازات از پیش مانعی در راه تامین هدف اصلاحی مجازات تلقی می‌شود^۳، با تعدیل معین بودن مجازات سعی می‌شود به بازپروری و اصلاح مجرمین سریعتر و بهتر دسترسی حاصل شود. کیفر گرایی عمومی به عنوان یکی از پیامد های بازنمایی رسانه ای مجازات در تضاد با این یافته ها قرار دارد و مانع از اعمال این تدابیر در پرونده هایی می‌گردد که جنبه ی رسانه ای پیدا می‌کنند. به این ترتیب سزادهی با الغای عفو و بخشش و نیز ایجاد محدودیت های بسیار در جهت اعطاء تعلیق یا آزادی مشروط، انحلال کمیسیون های عفو و کاهش اختیارات قاضی، سیاست های کیفری را تشدید کرده و به مجازات ها قطعیت و حتمیت بخشیده است و اصل قاطعیت مجازات ها را که در دوران سلطه ی ایده ی بازپروری اعتبار آن متزلزل شده بود ارزش خود را بازیافته و در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های جاری نظام کیفری مبنی بر سزادهی نقش اساسی ایفاء می‌کند.^۴ رویه ی متفاوت در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران در اجرای احکام اعدام به وضوح

^۱ - مسکنی، زهره - بررسی دیدگاه صاحب نظران در خصوص مجازات جایگزین حبس - ماهنامه اصلاح و تربیت - سال چهارم - ۱۳۸۴ - شماره ۴۴ - ص ۷

- برای کسب اطلاع بیشتر رجوع شود به مواد ۲۹ و ۳۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵^۲
- اردبیلی، محمد علی - حقوق جزای عمومی - ج ۲ - ص ۱۳۳^۳

^۴ - داوودی گرمارودی، هما - مکتب نو کلاسیک نوین و احیای رویکرد سزادهی - صفحات ۶۵ الی ۸۸



نمیان است. به عنوان نمونه می‌توان به اجرای احکام اعدام در خصوص برخی مجرمین خاص اشاره کرد. در حالی که رییس قوه قضاییه اجرای احکام اعدام به صورت علنی را با توجه به جریحه دار کردن احساسات عمومی ممنوع کرده بود و احکام اعدام غالباً در محیط زندان انجام می‌شد، در چند سال گذشته و به دنبال رسانه‌ای شدن برخی جرایم شاهد اجرای احکام اعدام به طور علنی بودیم. در پرونده‌های ((تجاوز گروهی خمینی شهر اصفهان^۱))، ((قتل روح الله داداشی))، ((قتل میدان کاج سعادت آباد تهران^۲)) به عنوان نمونه‌هایی از جرایم رسانه‌ای شده شاهد اجرای علنی احکام اعدام محکومین بودیم. مراسم اجرای این احکام نیز با پوشش گسترده رسانه‌ها همراه بود. علاوه بر این رسانه‌های خبری در ایجاد چنین شرایطی نقش قابل توجهی دارند. این رسانه‌ها با بزرگنمایی نتایج جرم و جلب کردن توجه عمومی با استفاده از روش‌های مثل استفاده از القاب دلهره‌آور مانند خفاش شب، عقرب سیاه و شیاطین باغ وحشت در خصوص پرونده‌های تجاوز جنسی و نیز مصاحبه‌های مکرر با بزه‌دیدگان بدون رعایت چارچوب‌های کارشناسی زمینه‌های مناسب برای اتخاذ تدابیر عوام‌پسندانه و نمایشی را فراهم می‌کنند. رسانه‌ها با حمایت از اتخاذ این تدابیر در گزارش‌های خود رضایتمندی مردم از این اقدامات را نیز بازتاب می‌دهند. در گزارش‌هایی که از صحنه قصاص ((قاتل میدان کاج سعادت آباد تهران)) در روزنامه شرق^۳ بازتاب یافته به فریاد‌های تحسین مردم نسبت به قوه قضاییه و مصاحبه با اهالی شهر خمینی شهر اصفهان^۴ که حاکی از رضایت آنان از قوه قضاییه در گزارش اعدام محکومین پرونده‌ی ((تجاوز گروهی خمینی شهر اصفهان)) داشت نمونه‌ای از این گزارش‌ها است. بازتاب این رضایت مندی بر عزم مقامات قضایی در پیروی از این سیاست‌ها در موارد مشابه می‌افزاید. اجرای علنی احکام این پرونده‌ها در حالی است که قضاتی که با آن‌ها مصاحبه شد با این اقدام مخالف بودند و بعضی نیز با

۱- Www.Magiran.com - به نقل از روزنامه اعتماد به تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۱

۲- ۲۱۱۳۸۹/۱۰/ Www.Sharghnewspsper.ir

۳- ۲۱۱۳۸۹/۱۰/ Www.Sharghnewspsper.ir

۴- Www.Magiran.com - به نقل از روزنامه اعتماد به تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۱



توجه به امکان عادی شدن اجرای علنی احکام اعدام ، این اقدام را فقط در موارد بسیار نادر و استثنایی پذیرفتند.

نتیجه گیری

در نتیجه گیری نهایی و پایانی این مقاله می توان گفت فرآیند اجرای مجازات ها به عنوان آخرین مرحله سیاست کیفری که در عین حال عینیت بیشتری نیز دارد و نتیجه آن مشهود تر و ملموس تر است ، در بازتاب رسانه ای جرایم جایگاه ویژه ای دارد . در این مرحله اجرای مجازات باید به گونه ای باشد که بیشترین میزان تحقق اهداف مجازات ها را همراه داشته باشد. روند اجرای مجازات از تحول در اهداف مجازات ها نیز تاثیر پذیرفته و در جهت هماهنگ شدن با آن متحول شده است. از جمله این تحولات می توان به استفاده از نهاد های تعلیقی مانند : تعویق اجرای حکم ، تعلیق اجرای مجازات ، استفاده از مجازات های جایگزین و آزادی مشروط اشاره کرد. اما رسانه ای شدن برخی پرونده های کیفری باعث شده مقامات قضایی رویه ای متفاوت نسبت به اجرای احکام را اتخاذ کنند که بیشتر در جهت پاسخ دادن به افکار عمومی و رسانه های خبری اعمال می شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و ماخذ

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، تهران، انتشارات اشراق، چاپ اول ۱۳۷۹
۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، جلد ۲، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۶
۳. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ هشتم، پاییز ۱۳۸۴
۴. استریت، جان، رسانه های فراگیر، سیاست و دموکراسی، ترجمه حبیب الله فقیهی نژاد، روزنامه ایران، ۱۳۸۴،
۵. انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۶
۶. بهرامی کمیل، نظام، نظریه رسانه ها، جامعه شناسی ارتباطات، انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۸۴
۷. جی پیکارد، رابرت، اقتصاد رسانه ها، ترجمه داوود حیدری، نشر مطالعات و توسعه رسانه ها، چاپ سوم، ۱۳۸۷
۸. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷
۹. دادستان، پریخ، روانشناسی جنائی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳
۱۰. دهقان، علیرضا، بررسی تاثیر رسانه ها بر افکار عمومی، کاربرد یک الگوی جامعه شناختی، نامه ی علوم اجتماعی، بهار و تابستان ۱۳۷۸
۱۱. رایجیان اصل، مهرداد، بزهدیده شناس حمایتی، نشر دادگستر، چاپ دوم، پاییز، ۱۳۹۰
۱۲. رحمت اللهی، حسین، خطوط قرمز رسانه ها در قوانین - مجموعه مقالات همایش رسانه

ها و ثبات سیاسی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، فصل دهم، ۱۳۸۱

۱۳. زراعت، عباس، ادله اثبات دعوی، انتشارات قانون مدار، چاپ اول، ۱۳۸۸

۱۴. کیا، علی اصغر و سعیدی، رحمان، مبانی ارتباط، تبلیغ و اقناع، موسسه انتشاراتی روزنامه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۳

۱۵. مسعودی، امیر، خلاصه نویسی برای رسانه ها، انتشارات خجسته، چاپ اول، ۱۳۸۵

